

فرقه‌ی قرائیم

از: دکتر عزیزاله بیات
استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در اثنای تحقیق در خصوص گاه‌شماری ایران و مطالعه‌ی آثار ابوریحان بیرونی، دانشمند عالی قدر قرن پنجم هجری قمری و کاشف حقیقی قاره‌ی آمریکا، مطلبی تحت‌عنوان «فرقه‌ی عنانیه» نظرم را به خود جلب کرد.

در پژوهش‌های بعدی دریافتم که فرقه‌ی مذکور در نیمه‌ی دوم قرن هشتم میلادی (نیمه‌ی دوم قرن دوم هجری) در بین‌النهرین تحت هدایت «عنان» نامی دارای پیروانی بوده‌است. این فرقه با تفسیر تورات سخت مخالف بودند و هدف آنان بازگشت به اصل تورات بود. در قرن نهم میلادی (سوم هجری قمری)، با ظهور «بنیامین بن موسی نهاوندی»، دوره‌ی جدیدی در نهضت «عنانیه» آغاز شد. از همین زمان، عنانیه به قرائیم (قرائیت) معروف گردید. نفوذ «بنیامین بن موسی» به جایی رسید که «عنانیه» را اصحاب عنان و بنیامین بن موسی می‌خواندند.

مؤسس فرقه‌ی قرائیم، «بنیامین بن موسی» است که در حدود سال ۲۳۵ قمری (۸۳۵ میلادی) در نهاوند، سکونت داشته‌است. برای آشنایی بیش‌تر با عقاید و افکار این فرقه، ذکر مطالب زیر به نحو اختصار ضروری است.

اسباط اسرائیل^۱ فرزندان یعقوب پیغمبر علیه السلام هستند. حضرت یعقوب به «اسرائیل» نیز معروف است. قوم یهود از اولاد دوازده پسر آن حضرت است. استعمال لفظ اسباط در ارتباط با اولاد یعقوب شباهت دارد به استعمال قبایل در خصوص بنی اسماعیل. تسمیه‌ی اینان به اسباط و تسمیه‌ی آنان به قبایل برای بیان تفاوت میان فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق است.

اسباط اسرائیل یا یعقوب دوازده پسر او هستند و قبایل دوازده گانه که از نسل این دوازده تن‌اند، نیز به اسباط بنی اسرائیل معروف‌اند. کلمه‌ی اسرائیل دوبار در سوره‌های آل عمران و مریم ذکر شده است.^۲

در فاصله‌ی سال‌های ۷۴۱ - ۷۳۹ قبل از میلاد، تیگلات پالاسر^۳ پادشاه آشور، بر سرزمین اسباط بنی اسرائیل تاخت و پس از جنگ‌های سختی، عده‌ای از آنان را به اسارت درآورد.

این سرزمین، بار دیگر در سال ۷۲۰ قبل از میلاد در عهد یوشع، مورد تجاوز سلیم‌نصر پادشاه جدید آشور قرار گرفت و استقلالش به کلی از بین رفت و تقریباً کلیه‌ی ده اسباط به اسارت برده شدند.

تعدادی از این اسرا را در شهر صلح، که یکی از شهرهای مهم آشور بود، ساکن ساختند و عده‌ی دیگر را در کنار رود حابور، تمرکز داده و بقیه را که گویا تعداد آن‌ها بیش‌تر بود در شهرها و کوه‌های ماد (از جمله به احتمال زیاد در نهاوند)، که در آن زمان در تصرف آشوریان بود، سکنا دادند.

۱ - اسباط از نظر لغت جمع «سبط» است به معنی نوه و فرزندزاده. احنفاد جمع «حفید» نیز به همین معناست. با این تفاوت که معمولاً به دخترزاده «سبط» و به پسرزاده «حفید» می‌گفتند. اسباط در متن به معنی مطلق فرزندزادگان به کار رفته است. «فرهنگان»

۲ - برای توضیح بیش‌تر مراجعه شود به: عقدالفرید، ج ۲، ص ۲۳۸، و ۲۳۹ و لغت‌نامه‌ی دهخدا، ج ۲،

به استناد مندرجات تاریخ ایران باستان، «کوروش در سال ۵۳۹ قبل از میلاد بابل را فتح کرد. در بابل مهربانی و رأفت نسبت به قوم بنی اسرائیل، که از زمان بخت‌النصر در اسارت بودند، ظاهر نمود. بدین معنی که آنچه ظروف طلا و نقره، که بخت‌النصر از بیت‌المقدس آورده بود، به آنها مسترد داشت و به آنها اجازه داد که به فلسطین مراجعت کرده، در بیت‌المقدس، معابد قدیم را که خراب شده بود، تعمیر نمایند و معبد جدیدی بنا کنند.

بنابر اجازه‌ی کوروش، چهل و دو هزار نفر از بنی اسرائیل به طرف فلسطین روانه شدند و به تجدید بنای بیت‌المقدس پرداختند. ولیکن به زودی، اختلاف شدیدی بین مردمی که در فلسطین بودند و آن‌هایی که از بابل راهی فلسطین شده بودند، پدید آمد.^۱

پایتخت پادشاهان اولیه‌ی هخامنشی در دوران سلطنت کوروش و کمبوجیه، شهر شوش بود. در این شهر عده‌ی زیادی از یهودیان ساکن شده بودند. در دوران سلطنت داریوش اول پایتخت دیگری موسوم به پارس (تخت جمشید) بنا گردید و نظر به اهمیت این محل جدید، عده‌ی زیادی از یهودیان ساکن بابل و اطراف حتی شوش به این شهر (پارس) روی آوردند. در سال ۲۳۰ قبل از میلاد، که این شهر توسط اسکندر مقدونی خراب و داریوش سوم کشته شد، یهودیان هم‌چنان اقامت داشتند و بعد از این تاریخ مانند سایر ایرانیان به اطراف متواری گشتند.

به همین علت است که خاک فارس به ویژه شیراز و لارستان و همدان، که آن نیز پایتخت مادها و شهر بیلاقی هخامنشیان بود، همواره از پرجمعیت‌ترین مراکز یهودی‌نشین کشور ایران بوده است.

به هر حال، آن فرقه‌ی از یهودیان، که در نیمه‌ی دوم قرن هفتم میلادی ظاهر شد و با تفسیر تلمودی^۱ سخت مخالفت می‌ورزید و هدفش بازگشت به تورات بود، نهضت «قرائم» است.

نهضت قرائم از قرن نهم میلادی تا قرن دوازدهم رونق داشت. لیکن عده‌ی پیروان آن، از قرن دوازدهم میلادی به بعد، کاهش یافت. مؤسس فرقه «عانان بن داود» نام داشت. این فرقه ابتدا به نام مؤسس آن عانانیه (عانیه) نامیده می‌شد و در قرن نهم میلادی بود که عنوان «قرائم» یافت.

«عانان» در دوران خلافت منصور خلیفه‌ی عباسی می‌زیست (۱۵۸-۱۳۵ قمری). وی پسر بزرگ رئیس مذهبی یهودیان بابل بود و در دین یهود صاحب‌نظر بود. رئیس مذهبی یهودیان بابل از این که «عانان» را به جانشینی پدرش انتخاب کند، امتناع ورزید و برادر عانان را، که مقامش از حیث فضل به پای او نمی‌رسید، انتخاب کرد و این انتخاب به تأیید و تصویب خلیفه رسید.

عانان از قبول این تصمیم امتناع کرد و خود را رئیس خواند و عاقبت به زندان افتاد. در زندان با ابوحنیفه آشنا شد (۷۶۷ میلادی) و تحت تأثیر افکار او قرار گرفت و به راهنمایی و کمک ابوحنیفه به عرض خلیفه رسانید، که او و پیروانش مذهبی جز مذهب سایر یهودیان دارند. وی پس از رهایی از زندان، رهبر فرقه‌ی جداگانه‌ای از یهودیان (عانانیه) شد و بدین گونه اختلاف و شقاقی در دین یهود ایجاد کرد. نهضت عانانیه در سرزمین‌های اطراف، مانند مصر، فلسطین و مخصوصاً در ایران، پیروان بسیار یافت.

با ظهور بنیامین بن موسی نهاوندی (حدود ۲۳۵ قمری)، دوره‌ی جدیدی در نهضت عانانیه آغاز شد. وی اصول نهضت و روش‌های تحقیق در تورات را تقریر کرد.

۱ - «تلمود» کلمه‌ای است آرامی به معنی تعلیم و عبارت است از مجموعه‌ی مدون شریعت شفاهی یهود، به ضمیمه‌ی تفاسیر خاخام‌ها، در مقابل شریعت مکتوب. یهودیان مؤمن همه جا آن را معتبر می‌دانند و به دو قسمت تقسیم می‌شود مشنا Mesnā که متن شریعت شفاهی است و گمارا gemārā به زبان آرامی که نوعی تفسیر و ذیل مشنا به شمار می‌رود.

«بنیامین» نخستین کسی از عانانیه بود که به عبری می‌نوشت و از زمان اوست که عانانیه به قرائیم (قرائیت) معروف شد (یعنی قرائت کنندگان عهد عتیق). این جماعت ابداعات و تصرفات تازه‌ای در شرایط تلمودی به عمل آوردند و رسوم و آداب بسیار کهنه را از نواحیا و معمول ساختند. از جمله خوردن گوشت را حرام شمردند و آفروختن شمع‌های روزشبه را لازم ندانستند. حتی در مرحله‌ی توکل و تسلیم، گفتند مراجعه به طیب برای استفاده و استصلاح مکروه است. زیرا که در نص کتاب آمده که خداوند (یهود) شفادهنده است ولاغیر.

باری، عقاید این فرقه که پیروان «بنیامین بن موسی نهاوندی» بودند، از هر طرف بسط و توسعه یافت و در اروپا از اسپانیا تا روسیه انتشار عظیم حاصل کرد. به هر صورت پیدایش مبادی و وضع تعالیم این جماعت در افکار یهود، انقلاب عظیم ایجاد کرد و آن‌ها را به شک و شبهه در اصالت تلمود و ادار ساخت تا به کتاب تورات (عهد عتیق) رجعت کردند.

ولی این انقلاب فکری (کارائیت) در دوره‌ی «دانیل کوم‌سی»^۱، آخرین نفر رهبر نهضت، رو به ضعف و سستی و فراموشی رفت. دوران این شخص مصادف با مخالفت‌هایی شد و حملات پی در پی Saapiahgaon رئیس دانشگاه Sura، که مردی دانشمند بود، گردید و حملات این شخص در سال‌های ۸۸۲ تا ۹۴۲ میلادی ادامه یافت تا بالاخره طرفداران این نهضت را مغلوب کرد و تقریباً از بین برد.^۲

به نظر می‌رسد، نویسندگان مسلمان پیش‌تر اطلاعات خود را درباره‌ی عنان و فرقه‌ی او، از منابع قرائت گرفته باشند. اما این نویسندگان، تنها بخش ناچیزی از اطلاعات فراهم آمده را توسط او مورد استفاده قرار داده‌اند.^۳ به استناد قول مقدسی، قوم یهود چنددسته‌اند، از جمله عانانیه که معتقد به توحید و عدل و نفی تشبیه است.^۴ مقدسی

1-Daniel-Kumsi

۲ - تاریخ بنی اسرائیل (قوم من)، تألیف آبا آبان، ص ۱۹۱

3-Encyclopoedia Islam Vol 1.P481 Leiden 1986

۴ - آفرینش و تاریخ، تألیف مقدسی، ترجمه‌ی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۴-۶، ص ۵۷۸

«عنان» را، به عنوان معتزله‌ای که به وحدت الهی و عدالت تأکید ورزیده و مخالف تناسخ است، معرفی می‌کند.

ابوریحان بیرونی دیدگاه‌های ایشان را درباره‌ی تقویم مورد توجه قرار داده است و چنین گوید: فرقه‌ی دیگری را «عنانیه» گویند و ایشان منسوب به «عنان رأس الجالوت» هستند و باید از آل داود باشد و جز او کسی صلاحیت این منصب را ندارد. عوام یهود می‌گویند، این کار جز شخصی که اطراف انگشتان او در موقع راست ایستادن به زانوش برسد، دیگر صلاحیت ندارد... این عنان پسر دانیال بن شاوول بن عنان بن داود بن... سلیمان بن داود بود. این شخص با جماعتی از ربائین در بیش‌تر، از فروع مخالفت کرد و شهور را مانند مسلمانان با رؤیت هلال دانست و به این هم اهمیت نمی‌داد که در چه روزی از هفته باشد و شهور را این‌طور کیسه می‌کرد که در نواحی عراق و شام، از اول‌نیسان تا چهارم آن، به زراعت جو نگاه می‌کرد و اگر می‌دید که نوبر جو برای درو صلاحیت دارد، سال را بسیط می‌دانست و اگر می‌دید که جو برای نوبر هم به دست نیامده، سال را کیسه می‌کرد.^۱

«شهرستانی»، علاوه بر ذکر مختصری از تقویم ایشان و عادات غذایی آن‌ها، چنین گوید: «عنانیه منسوب است به شخصی که آن را عنان بن داود گفتند. پسر جالوت بود و مخالفت سایر یهود کردند در سبت (=شنبه) و اعیاد، و به مرغ و آهو و ماهی، ماکول رامنحصر گردانید و ذبح حیوانات از قفا می‌کردند و تصدیق می‌نمودند عیسی را در مواعظ و اشارات، و می‌گفتند عیسی مخالف تورات نبود، بلکه مستقر بر تورات بود و مردم را به تورات می‌خواند و طایفه‌ای از بنی اسرائیل متعبد بودند به تورات، و اجابت موسی می‌کردند، الا آن‌که به نبوت و رسالت موسی قائل نبودند.

طایفه‌ای از ایشان گویند، عیسی دعوی نکرد که از بنی اسرائیل است و آن‌که صاحب شریعتی است که ناسخ شریعت موسی است، بلکه عیسی از اولیای مخلص حضرت کبریایی است، که به احکام تورات عارف بودند، و گفتند انجیل کتابی نیست که به او فرود آمده و به طریق وحی از حضرت کبریای الهی، بلکه جمیع احوال او است

از مبدأ تا کمال و چون جمع کتاب انجیل کرد، چهار حواری چگونه منزل تواند بود، و گفتند یهود ظلم کردند که، اولاً تکذیب او کردند و دعوی او را معلوم نکردند، و در آخر متصدی قتل او شدند و محل و مقر او را ندانستند»^۱

در کتاب «ادیان بزرگ» چنین آمده است: «در پایان سده‌ی پنجم میلادی، توجه به تفاسیر گذشته‌ی کتاب تفسیر عمومی به نام «تلمود» فراهم شد. بسیاری از احکامی که در تلمود آمده بود، یا پایه‌ای در تورات نداشت، و یا با آن سازگاری نمی‌توانست داشته باشد. پس به زودی، موجی از مخالفت نسبت به تلمود، و مطالب آن برخاست و کم‌کم مخالفان تلمود تشکیل فرقه‌ای به نام قرائم دادند و بالطبع در این گیرودار، عده‌ای نیز با تلمود موافق بوده و از آن دفاع کردند و این گروه به نام فرقه‌ی ربانیم مشهور شدند.»^۲

برای کسب اطلاعات بیش‌تر، به منابع زیر مراجعه شود:

- کتب تورات
- تاریخ عمومی، تألیف رضا اخوی
- سفرنامه‌ی بنیامین تودلایی
- تاریخ هرودوت
- ایران باستان، تألیف پیرنیا
- تاریخ ملل شرق و یونان، تألیف آلبرماله مطالعات فرنگی
- سفرنامه‌ی ایلام تا کلد، تألیف مادام دیولافوا
- تاریخ ایران، تألیف سرپرسی سایکس
- تاریخ ایران، تألیف سرجان مالکم، ترجمه‌ی حیرت
- ایران در زمان ساسانیان، تألیف کریستن سن، ترجمه‌ی رشید یاسمی
- تاریخ تمدن اسلام، تألیف جرجی زیدان، ترجمه‌ی جواهر کلام
- سفرنامه فلاندن

۱ - ملل و نحل، تألیف شهرستانی، به تصحیح و تحشیه‌ی سیدمحمد رضا جلالی نائینی، ج ۱، ص ۳۰۳

۲ - ادیان بزرگ جهان، تألیف هاشم رضی، ص ۴۴۷

- تاریخ عرب و اسلام، تألیف سید امیر علی
 - تاریخ مغول، تألیف عباس اقبال
 - سفرنامه‌ی شاردن
 - سفرنامه‌ی تاورنیه
 - مجمع‌التواریخ، تألیف محمدعلی خلیل مرعشی
 - یکسال در میان ایرانیان، تألیف ادوارد براون
 - سیاحت نامه‌ی مارکوپولو
 - انقلاب مشروطیت، تألیف ملک‌زاده
 - تاریخ یهود، تألیف دکتر حبیب‌لوی
 - آفرینش و تاریخ، تألیف مطهر بن طاهر مقدسی، به کوشش محمدرضا شفیعی
- کدکنی
- تاریخ جامع ادیان، تألیف جان ناس، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت
 - تاریخ امپراتوری هخامنشیان، تألیف پیر بریان Pirr Briant ترجمه‌ی دکتر مهدی سمسار
 - تاریخ عمومی، تألیف ابن خلدون، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی
 - حبیب‌السیر، تألیف خواندمیر
 - روضه‌الصفاء، تألیف میرخواند
 - آثارالباقیه، تألیف ابوریحان بیرونی، ترجمه‌ی اکبر داناسرشت
 - ملل و نحل، تألیف شهرستانی به تصحیح و تحشیه‌ی سید محمدرضا جلالی نایینی
 - مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن، تألیف ویل دورانت، ترجمه‌ی احمد آرام،
 - علی‌پاشا، امیرحسین آریان‌پور
 - تاریخ بزرگ جهان، تألیف کارل گریمبرگ، ترجمه‌ی دکتر سید ضیاء‌الدین
- دهشیری
- تاریخ تمدن، تألیف آلبرماله
 - کتاب‌الانوار، تألیف یعقوب قرقیسانی